

حمله به ایران

دو دست راست پیدا کرده

دست چپ

باید از آستین در آید!

م. شیزلی

جرج بوش، رئیس جمهور آمریکا گفته است: "جامعه جهانی باید بتواند از طریق دیپلماتیک جلوی بلند پروازی های ایران در ساختن سلاح اتمی را بگیرد". البته، نمی توان افسانه باقی های دروغین دولت آمریکا بر علیه کشورهای "نامطلوب" و بزرگ نمائی خطرانی که از اقصی نقاط جهان آمریکا را در آن سوی اقیانوس تهدید می کند، در نظر نگرفت. اگر این را هم در نظر بگیریم که افسانه سازی و بزرگ نمائی "دشمن"، از ابتدا، اساس سیاست رسمی دولت آمریکا را تشکیل می داده، اهداف این کشور در بزرگ نمائی در باره دست یابی ایران به "سلاح اتمی" کاملاً روشن می شود. دروغ های دولت بوش برای اشغال و ویرانی کشورهای افغانستان، عراق، پاکستان، لبنان و غیره را نباید فراموش کرد. سخن بر سر آن بخش از خطرانی که از خارج ایران را تهدید می کند و امیدواران نتایج این فاجعه و توطئه، والا این به آن مفهوم تلقی نشود که عنایتی به اوضاع آشفته حاکمیت، زمینه فراهم شده برای توطئه ها و سیاست غلط و جنگی حاکمیت وجود ندارد. این مقوله ای دیگر و داخلی است که حتماً هم باید در نظر داشت.

همان روز اظهارات بوش که در بالا آوردم، تلویزیون صدای آمریکا و در برنامه "میزگردی با شما"، با شرکت خانم الهه بقراط، روزنامه نگار "آزاد" و آقای بهمن آقائی دیبا، به گرداندگی آقای چالنگی، با دست پاچگی بی سابقه ای، به بررسی این "اظهارات" پرداخت. مهمانان این شو تلویزیونی، تمامی جملات و کلمات دانسته خود را بکار گرفتند تا ثابت کنند که «آمریکا به ایران حمله نظامی خواهد کرد... نیروهای ایران نیز مثل ارتش عراق، توان مقابله با آن را ندارد... این دوماه فرصتی را که آژانس بین المللی انرژی اتمی می خواهد به ایران داده شود، نمی تواند جلو حمله آمریکا را بگیرد...» و همه این اظهار نظر ها نیز نه بعنوان یک هشدار و خطر برای ایران و مردم و نفی جنگ، بلکه بعنوان یک موقعیت مطلوب برای این طیف مطرح شد. این چکیده و خلاصه اظهارات مهمانان برنامه، از جمله، خانم الهه بقراط، روزنامه نگار "آزاد" بود. روزنامه نگاری که هیچ نشانه ای از آزادی در اظهاراتش مشاهده نمی شد. دو روز پیش از آن نیز نوری زاده، در "اظهار نظر" پیرامون بیانات کوشنر، وزیر امور خارجه فرانسه "تحلیل" مشابه و تائید آمیزی ارائه داد و گفت: « حال که، فرانسه هم درکنار آمریکا قرار گرفته است، اگر، آنها نتوانند در شورای امنیت سازمان ملل متحد، کاری بکنند، خودشان جلو ایران را خواهند گرفت».

قصد من پرداختن به نظرات این گروه که پای ثابت تلویزیون صدای آمریکا شده اند نیست؛ چرا که منطق در مقابله با این سیستم فکری عاجز است و پرداختن به این بحث، آب در هاون کوبیدن است. آنچه شاید قابل اشاره باشد، سابقه ایست که خانم بقراط هنوز از نام آن بهره می گیرد، گرچه نان را به نرخ سفره راست می خورد. البته چپی که پشت عناوینی مانند «نو، مدرن، دموکرات» پنهان شده است. بیم آنست که شمار دیگری نیز با سنگر گرفتن پشت همین عناوین و قرار داشتن در صفوف رهبری برخی سازمان های در گذشته سرخ و امروز

صورتی همین راه را بروند. با این نگرانی و این انگیزه است که به خانم بقراط اشاره کرده ام تا به یاران دیروزش بگویم: نکند، شما هم چنین شتابان بروید؟ جنبش چپ که برای تغییر جهان مبارزه می کند، طبیعتاً از مدرنیسم، نوآوری و دموکراسی نیز حمایت باید بکند، اما این حمایت نمی تواند و نباید در خدمت نوآوری امریکا در حمله به ایران در آید. بحث اینست!

آن که از «چپ مدرن» و «دموکرات» سخن می گوید نیز باید مانند هر میهن دوستی به این سؤال پاسخ بدهد که امپریالیسم و بویژه امریکا، به چه حقی باید به این و یا آن کشور لشکرکشی کند؟ حمام خون راه اندازد، اشغال نماید، ویران کند و به تاراج ببرد؟ بحثی که در باید در ادامه سخنان رئیس جمهور امریکا در رسانه ای مانند تلویزیون صدای امریکا آغاز شود از اینجا شروع می شود و نه از توان داشته و یا نداشته ایران برای مقابله با حمله امریکا. یعنی همان بحث انحرافی و خطرناکی که حاکمیت جنگ طلب جمهوری اسلامی شبانه روز مشغول تبلیغ آن در داخل کشور است و اجازه نمی دهد مردم بپرسند "ضرورت جنگ و تقابل چیست؟". شما به مجموعه سخنرانی های فرماندهان و خطبه ها و سخنرانی های رهبر در دو سال اخیر اگر توجه کنید عمدتاً بر محور قدرت نظامی و بُرد موشک و توان حمله و دفاع دور می زند، نه آن که به چه دلیل ایران باید قربانی جنگ شود؟ به این دلیل است که من می گویم، جنگ دو دست راست در خارج و داخل کشور ما یافته است. دست چپ برای در آمدن از آستین مردم کجاست؟

هر روز که می گذرد، ضرورت پالایش جنبش چپ از عناصر فیزیکی و ایدئولوژیکی پیروی از سرمایه داری و یا تاثیر پذیری و پیروی از سیاست های آن بیشتر می شود. اتحاد فراگیر نیروهای چپ، ملی و میهن پرست، برای دفع خطر جنگ به این پالایش نیازمند است تا بتوان صلح و امنیت پایدار را در ایران و حتی جهان ممکن ساخت. فراموش نکنیم که شعار **«زند باد صلح! مرگ بر جنگ!»** هر روز، چه در عرصه جهانی و علیه جنگ افروزی امپریالیسم جهانی و هم در کشور ما ضرورت و عینیت بیشتری پیدا می کند.

راه توده ۱۵۰ ۲۴,۰۹,۲۰۰۷